

گزارش

ظریف در نشست ژئوپلیتیک خلیج فارس مطرح کرد انگاره‌های ما درباره اعراب و مردم غلط است

وزیر خارجه پیشین کشورمان گفت: در این دنیا هیچ‌کس ابرقدرت نیست. یکی از دلایل منفعت آمریکا از برجام این بود که مشکل هسته‌ای را کاهش بدهد تا بتواند حضور منطقه‌ای خود را کاهش بدهد. یکی از دلایل عربستان و اسرائیل برای مخالفت با برجام این بود که نمی‌خواستند حضور آمریکا کم‌رنگ باشد. به گزارش ایلنا، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین کشورمان، در سخنانی در سلسله‌نشست‌های چهلمین سال تأسیس انتشارات اطلاعات با عنوان «نشست اول ژئوپلیتیک خلیج فارس» گفت: ما امروز درگیر چالش‌های شناختی در خلیج فارس هستیم. امروز دنیا درگیر چالش شناختی است. او افزود: امنیت خریدنی نیست و این اشتباه ادراکی باید درست شود. اشتباه ادراکی دوم این است که آمریکا می‌خواهد حضورش را در منطقه گسترده کند اما امروز آمریکا از نقطه توجه خاورمیانه خارج شده است. او تصریح کرد: اشتباه ادراکی سوم این است اگر با چیزی مخالفت کردیم، آن اتفاق هرگز نمی‌افتد. فکر می‌کنیم مرکز مشروعیت هستیم. این تصور غلط است که شما با عدم حضور خود مانع شکل‌گیری آن اتفاق در منطقه می‌شوید. اما درست اینجاست که عدم حضور ما در امنیت منطقه‌ای باعث بسته شدن دست ایران در محیط قدرت می‌شود و این اشتباه بزرگ است. ظریف عنوان کرد: فکر نکنیم باید ترسناک باشیم. ترسناک‌بودن هدف اسرائیل است و این موضوع با شنیدن و فهمیدن شکل می‌گیرد. او تصریح کرد: سه ادراک نادرست، خریدن امنیت، تلاش آمریکا برای حضور در منطقه و عدم حضور در امنیت منطقه است که باعث شده منطقه روی آرامش نبیند. بنابراین باید با هم گفت‌وگو کنیم، درک کنیم و بخوانیم. انگاره‌های ما درباره جهان عرب غلط است و باید بازنگری کنیم. انگاره‌های ما درباره مردم غلط است. باید آن را به روز کنیم. این بازنگری با تغییر نگاه تهدیدمحور به فرصت‌محور اتفاق می‌افتد. همسایه‌ها برای ما فرصت هستند با اینکه در طول تاریخ ایران مورد حمله همسایه‌ها بوده‌ایم اما این فرصت است که همه چیز رنگ ایرانی گرفته است. اعراب رنگ ایرانی گرفته‌اند. ما خودمان تعریف می‌کنیم که شرایط فرصت است یا تهدید. همچنین مردم برای ما فرصت هستند و نه تهدید و باید به آنان توجه کرد.



✚ جناب فرزای اگرچه اکنون وضعیت نظامی و امنیتی منطقه خاورمیانه پس از تنش ایران و اسرائیل قدری فروکش کرده، اما فضای سیاسی و دیپلماتیک کماکان ملتهب است و با سفر آتونی بلینکن به منطقه هم این روند شدت یافته است.
خاصه آنکه وزیر امور خارجه آمریکا در عربستان، چهار دستور کار شامل عادی‌سازی روابط ریاض - تل‌آویو، تحقق پیمان امنیتی عربستان و ایالات متحده، ایجاد سامانه پدافند مشترک منطقه‌ای و تشکیل اتحاد یا ائتلاف منطقه‌ای را مطرح کرد که نشان می‌دهد غرب آسیا می‌تواند آستن تنش‌های دیگری باشد.
اما در مقابل برخی اخبار هم حکایت از این دارد که با فروکش کردن تنش ایران و اسرائیل ظاهراً آمریکا و ایران طرف سه هفته تا یک ماه آینده مذاکرات را از سر خواهند گرفت.
حال به باور شما کدام‌یک از این دو سناریو به واقعیت‌های جاری منطقه‌ای و جهان نزدیک‌تر است؟

واقعیت آن است که تحولات عرصه سیاست خارجی، آن هم در منطقه حساس و پرتنشی مانند خاورمیانه، سیال و به شدت ناپایدار است تا جایی که هر روزه و حتی هر ساعت فاکتورهای جدید، اخبار و نیز گزارش‌های متفاوت، متناقض و حتی متضادی منتشر می‌شود و مقامات کشورها هم موضع‌گیری‌هایی متفاوت از همدیگر دارند. پس در واقع نمی‌توان به شکل صددرصدی به سؤال شما پاسخ داد. چون اساساً با توجه به این میزان از اخبار و گزارش و اطلاعات متنوع و متناقض، امکان تحلیل کوتاه‌مدت از تحلیلگران و کارشناسان و ناظران گرفته می‌شود.

✚ **اما کفه به کدام سمت سنگینی می‌کند. تنش یا مذاکره؟**

واقعا مشخص نیست. به همان اندازه که دلیل و شواهد کافی برای تشدید تنش در منطقه وجود دارد، در سوی مقابل می‌توان دلایلی را یافت که اکنون امکان تنش‌زدایی و ازسربگیری گفت‌وگوهای ایران و آمریکا وجود دارد.
پس در واقع می‌توان این‌گونه به سؤال شما جواب داد، نه می‌توان گزینه جنگ را از روی میز برداشت و نه گزینه مذاکره را. هم‌زمان هم، نه می‌توان گزینه جنگ را قطعی دانست و نه تنش‌زدایی را.

✚ **پس اگر از تحلیل کوتاه‌مدت عبور کنیم، ارزیابی شما برای میان‌مدت و بلندمدت چیست؟ ما به سمت تنش پیش خواهیم رفت یا مذاکره؟**
در این خصوص می‌توان از اهداف سفر بلینکن به منطقه چنین برداشت کرد که جدیت دولت بایدن برای عادی‌سازی روابط عربستان سعودی

بررسی فضای حاکم بر منطقه بعد از فروکش کردن تنش میان ایران و اسرائیل در گفت‌وگو با علی‌اکبر فرزای

تنش یا مذاکره؟

در روزهای اخیر و با سفر آتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا به منطقه، مجدداً سیاست‌های ضدایرانی در دستور کار قرار گرفته است و موضوعات مختلفی مانند ایجاد سامانه یکپارچه پدافند عربی، تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، امضای توافق‌نامه امنیتی بین عربستان و اسرائیل و همچنین عادی‌سازی روابط ریاض و تل‌آویو مطرح شده که محوریت همه آنها به تهران بازمی‌گردد. از این رو و با توجه به تحولات چند روز اخیر، طیفی از ناظران موضوع تشدید تنش را پررنگ می‌دانند. اما

و اسرائیل بیش از هر زمان دیگری است. چراکه در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری، جو بایدن به این عادی‌سازی نیاز مبرم دارد، از طرف دیگر بعد از عملیات وعده صادق و ایجاد توان بازدارندگی توسط ایران اکنون طیفی از تحلیلگران معتقدند آمریکایی‌ها دیگر تمایلی به تنش با ایران ندارند و این در حالی است که بایدن هم سعی دارد آتش جنگ بیش از این گسترده نشود. پس واشنگتن سعی دارد از مسیر مذاکره و دیپلماسی، هم تشدید تنش و سایه جنگ را از دستور کار خارج کند و هم به اهداف خود دست پیدا کند.

✚ **چه اهدافی؟**

نخست، عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل و از طرف دیگر استفاده از ظرفیت کشورهای عربی منطقه برای ایجاد یک ائتلاف ضدایرانی هم در قالب طرح ناتوی عربی و نیز ایجاد سامانه یکپارچه پدافندی و…

✚ **جناب فرزای در طول ادوار و سال‌های گذشته همواره سیاست‌های ضدایرانی کشورهای عربی منطقه ذیل مدیریت واشنگتن با عبارات مختلفی در دستور کار بوده، اما هیچ‌گاه جنبه عملیاتی پیدا نکرده است. از شورای همکاری خلیج فارس گرفته که یک ائتلاف ضدایرانی بود تا موضوع ناتوی عربی، ناتوی عربی - غربی و ناتوی عربی - غربی - عبری که البته به این موضوعات، دستور کار ایجاد سامانه یکپارچه پدافندی هم اضافه شده است. اما یا توجه به اقتضانات منطقه تا چه حد اکنون امکان تحقق این وعده‌ها را جدی می‌دانند؟**

پیش‌تر اشاره کردم. اکنون موضوع مهم‌تر عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل است که

در عین حال برخی گزارش‌های واصله هم حکایت از آن دارد که طی سه هفته تا یک ماه پیش‌رو، تهران و واشگتن دوباره مذاکرات چراغ‌خاموش خود را از سر خواهند گرفت.
ولسی به واقع این دوگانگی چگونه قابل ارزیابی است و تحولات منطقه مؤید کدام‌یک از این سناریوها خواهد بود؟
پاسخ به این سؤالات و پرسش‌هایی از این دست، محور گفت‌وگو با علی‌اکبر فرزای، سفیر پیشین ایران در رومانی، مجارستان و قبرس و کارشناس ارشد مسائل ناتو است که در ادامه ما حاصل این کپ‌وگفت را می‌خوانید.

برای واشنگتن اولویت دارد. اما در عین حال، مسئله ایجاد سامانه پدافند یکپارچه منطقه‌ای بعد از عملیات وعده صادق ایران هم پررنگ‌تر از گذشته پیگیری می‌شود. البته همان‌گونه که می‌دانید این موضوع قبل‌تر از دولت جو بایدن توسط دولت دونالد ترامپ مطرح شده بود که سعی داشتند از ظرفیت نظامی و دفاعی کشورهای عربی برای حفظ امنیت اسرائیل استفاده کنند. اکنون که ایران در یک اقدام غیر قابل پیش‌بینی و بی‌سابقه بیش از ۳۰۰ پرتابه شامل موشک و پهپاد را به اسرائیل شلیک کرده است، حالا هم کشورهای عربی منطقه، هم آمریکایی‌ها و هم اسرائیل جدید خود را برای ایجاد این سامانه پدافندی دارند. پس در مجموع نکته کلیدی اینجاست که بله، پیرو سؤال درست شما، قبل‌تر پروژه‌هایی علیه ایران مطرح بوده است، ولی بعد از مجموعه اتفاقات و تحولات و تغییر معادلات در سایه پاسخ ایران به اسرائیل اکنون آمریکایی‌ها این پروژه‌ها را روی میز گذاشته و با جدیت بیشتر آنها را پیگیری می‌کنند. از عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل تا ایجاد سامانه پدافند یکپارچه و همچنین ائتلاف منطقه‌ای. پس نباید فراموش کنیم که هم آمریکایی‌ها و هم اسرائیلی‌ها طی مدت اخیر سعی کرده‌اند که مجدداً به سیاست ایران‌هراسی در منطقه خاورمیانه با هدف رسیدن به منافع و اهداف خود دامن بزنند.

مشخصاً می‌توان به مسئله ایران در پاسخ به اسرائیل اشاره کرد. پیش‌تر اشاره کردم که بعد از این حمله اکنون آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها سیاست ایران‌هراسی را مجدداً در دستور کار خود دارند و از این طریق هم، کشورهای عربی و مشخصاً عربستان را تحریک و وادار به عادی‌سازی روابط با اسرائیل می‌کنند. البته تا به اکنون گام‌هایی هم از سوی ریاض برداشته شده است که گام‌نهایی محسوب نمی‌شود و تا رسیدن به عادی‌سازی مسیر طولانی باقی مانده است. با وجود این به نظر می‌رسد اختلافات جدی و موانع اصلی برداشته شده است، چون از یک سو مسئله توافق‌نامه امنیتی به عنوان یک پیش‌شرط از سوی عربستان توسط دولت بایدن پذیرفته شده و گویا مسئله به رسمیت شناختن کشور فلسطینی نیز مطرح است. در کنار آن ایجاد ناتوی عربی و همچنین ایجاد سامانه یکپارچه پدافند عربی ذیل دامن‌زدن به سیاست ایران‌هراسی، تقریباً سعودی‌ها را در مسیر عادی‌سازی با اسرائیل قرار داده است؛ اما اینجا زمان مطرح است و باید دید که آیا تلاش بایدن می‌تواند پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری به بار بنشیند و این عادی‌سازی را عملیاتی کند یا خیر؟!

✚ جناب فرزای به توافق‌نامه امنیتی عربستان و آمریکا اشاره کردید. قبل‌تر مقامات سعودی تأکید داشتند این توافق‌نامه باید مشابه ماده ۵ ناتو باشد. یعنی حمله به خاک عربستان به‌مثابه حمله به خاک آمریکا باشد و واشگتن به طرف حمله‌کننده پاسخ دهد. اما جو بایدن تنها به ماده ۴.۵ اکتفا کرده بود. اکنون که بلینکن در ریاض گفته است توافق‌نامه امنیتی دوجانبه در مراحل قرارداد است، به باورتان کاخ سفید نهایتاً ماده ۵ را پذیرفته یا ماده ۴.۵ را؟

من تصور نمی‌کنم جو بایدن بخواهد یا حتی بتواند توافق‌نامه امنیتی با عربستان مشابه با ماده ۵ ناتو را به نتیجه برساند.

✚ **اما راه‌حل نهایی برای پایان‌دادن به سیاست ایران‌هراسی در منطقه چیست؟ چگونه تهران می‌تواند این روند را متوقف کند؟**

نخستین گام، تنش‌زدایی است. باید این تنش‌زدایی در منطقه در دستور کار ایران باشد و به دنبال آن، اعتمادسازی با کشورهای عربی پررنگ‌تر از هر زمان دیگری بی‌گرفته شود و این موضوع تنها با موضوع‌گیری‌های غیرجدی مقامات اجرایی داخلی انجام نمی‌شود. باید تماس‌های تلفنی مکرر با مقامات، سفرهای مکرر منطقه‌ای و همچنین دیدارهای دوجانبه و چندجانبه صورت بگیرد.

از طرف دیگر باید ترتیبات منطقه‌ای از طرف تهران به سمت کاهش تنش میل کند. اینجاست که قطعاً می‌تواند سیاست ایران‌هراسی که طی روزهای اخیر و مشخصاً بعد از عملیات وعده صادق و پاسخ موشکی و پهپادی ایران به اسرائیل مجدداً سر برآورده است، متوقف شود. از طرف دیگر تهران باید این را هم با قاطعیت گوشزد کند که هرگونه چار‌چوب جدید امنیتی و نظامی و دفاعی و پدافندی بدون حضور مستقیم ایران به نتیجه نخواهد رسید و امنیت‌زا نخواهد بود. امنیت منطقه صرفاً در گرو مشارکت همه بازیگران خاورمیانه است، مگر می‌شود تصور کرد که در ترتیبات امنیتی و نظامی و دفاعی یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه یعنی ایران حضور نداشته باشد؟! پس زمانی که تنش‌زدایی و اعتمادسازی انجام شد و ترتیبات منطقه‌ای در سطح عملیاتی از جانب ایران به سمت کاهش تنش میل کرد، می‌توان روندی را ترسیم کرد که یا خبری از ناتوی عربی یا ناتوی عربی - غربی یا ناتوی عربی - غربی و سامانه یکپارچه پدافند عربی نباشد یا ایران هم باید جزء ترتیبات قرار گیرد.

ریموند ویل

RAYMOND WEIL

GENEVE



SARMAN Co.

No. 1832, Dr. Shariati St., Next to Pol-E-Roomi, Tehran - Iran